

پژوهشی پیرامون قیمت عادلانه

حسین سالکی

برای تحقق یا بهتر بگوئیم تحمیل اصل مورد قبول خود است که دو سیستم مسلط جهانی امروز یعنی کاپیتالیسم خصوصی و دولتی از محل همان ارزش های اضافی به دست آمده از حاصل رنج و زحمت میلیونها کارگر و کشاورز میلیاردها دلار صرف مسابقات تسلیحاتی می کنند!

به دور از آنچه از عهد باستان تا به امروز به عنوان واقعیت عینی در جامعه های بشری به صورتی طبیعی جریان دارد طرفداران قیمت عادلانه در دو جنبه تئوری و آنچه که ایده آل یا کمال مطلوب نامیده می شود با یک دیگر به جدال پرداخته اند که در این رابطه افلاطون و ارسطو را می توان سرسلسله این دو مکتب فکری برشمرد که اولی اصل انتفاع جمع و دومی اصل نفع فرد را اساس کشمکش فکری خود قرار داده اند.

اگر افلاطون به حقایق زندگی بشر و ارتباط ناگسستگی آن با طبیعت انسان توجه داشته و انحراف از آن را مایه ناهنجاری های اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی شناساننده است، ارسطو بر نکته های تاکید کرده است که به صورتی واقعی و عینی حاکم بر روابط و

فعالیت های اقتصادی اگرچه در جهان امروز عمدتاً بر دو روال سرمایه داری خصوصی Capitalism و سرمایه داری دولتی Statism به صورتی مسلط استوار است، لیکن انگیزه انتفاع فردی تولید و توزیع پیشینه های دیرینه دارد و درباره قیمت عادلانه و روش دست یابی به آن در ابعاد اقتصادی و اجتماعی بین فلاسفه، اقتصاددانان، دانشمندان علوم اجتماعی اختلاف بوده و گاه به صورت یکی از مسایل عمده روز مورد بحث واقع و سپس از تب و تاب افتاده و به بوته نسیان سپرده شده است.

اما برای رسیدن به قیمت عادلانه یا مزد منصفانه یا قیمت مناسب به عنوان محور اصلی کشمکش های فکری سوای موعظه و نصیحت برای بیدار کردن وجدان طرفین درگیر (تولیدکننده و مصرف کننده) طرفداران اقتصاد سرمایه داری خصوصی اصل عرضه و تقاضا - پیروان اقتصاد دولتی موضوع ارزش اضافی و سرانجام پویندگان اقتصاد جمعی که همان سوسیالیست های واقعی بوده باشند اصل مازاد خرید (مازاد معامله) را وسیله نیل به مقصود دانسته و می دانند و شاید

فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است. این واقعیت از چنان کشش و جاذبیتی برخوردار است که طی طول تاریخ توانست زندگی اشتراکی و ترجیح نفع عمومی برانتفاع فردی را اگر نه کاملاً و در همه ادوار و زمینه‌ها ولی حداقل از رونق بیاندازد و از صورت عرف عمومی خارج کند. یعنی انگیزه نفع شخصی و بویائی غیر قابل انکار آن را در همه زمینه‌های زندگی چون اصلی ملموس به اثبات رساند.

با مبداء قرار دادن یونان باستان در شکل پذیرفتن این مبارزه مکتبی می‌کوشیم تا آنجا که امکان‌پذیر باشد ابعاد نظری و تجربی نیل به‌قیمت عادلانه را از دیدگاه علمای اقتصاد - جامعه‌شناسان و جامعه‌گرایان مورد بررسی قرار دهیم.

پیش از اینکه برای گذار از معبر تاریخ خود را بفرعایت نظم و ترتیب مربوط به آن مقید سازیم اشاره به این نکته بایسته است که نیمه اول قرن بیستم که در شتاب بخشیدن به‌روندهای علمی، فنی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی خود می‌توانست مبداء تاریخی واقع شود و قیمت عادلانه نیز همان قدر می‌توانست در مرکز توجه صاحب‌نظران قرار گیرد که اصول اقتصاد و ضوابط حاکم بر روابط اقتصادی و اجتماعی آن، زیرا آن مقدمات برای رسیدن به این نتیجه است تا آنجا که مشروعیت اقتصاد سرمایه‌داری مورد تردید واقع و به‌دنبال خود تغییرات زیادی را در شکل و محتوی از پی آورده است.

حتی پیش از این دوره یعنی قرن هیجدهم نیز تز قیمت عادلانه محور مباحثات علمی واقع می‌شود. یکی از مکتب‌های اجتماعی و اقتصادی که بیش از دیگران بدان پرداخته‌است مکتب نیم ecole de nime

و از دو عضو برجسته آن پروفیسور شارل ژید و پروفیسور برنارد لاورن باید نام برد. ژید که خود پایه‌گذار این مکتب است در واقع به‌عنوان اقتصاددان و جامعه‌شناس آرمان‌گرا آغازکننده یا تجدیدکننده این جریان فکری به‌شمار می‌رود - به‌رغم این که این دو عالم بزرگ اقتصاد از طلایه‌داران نهضت تعاونی در چهارچوب یک مکتب اقتصادی اجتماعی بوده‌اند بر سر نحوه دستیابی به‌قیمت عادلانه برخورد فکری داشته و از آنجا که تاریخ به‌صورت‌های مختلف تکرار می‌شود، این دو نیز کم‌وبیش بر سر موضوعی واحد دچار همان اختلاف فکری می‌شوند که افلاطون و ارسطو پیرامون اصول و نحوه اجرای آن.

بهرحال همانطور که از خلال کتاب‌های جمهوری افلاطون و سیاست ارسطو می‌توان به‌کنه افکار و نقطه‌نظرهای این دو فیلسوف بزرگ دست یافت. کتاب انقلاب نهضت تعاونی پروفیسور برنارد لاورن که در سال ۱۹۴۹ طبع و نشر یافته است و سخنرانی‌های سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ پروفیسور شارل ژید که قیمت عادلانه موضوع اصلی این سخنرانی‌ها بوده است می‌تواند روشنگر همه آن چیزهایی باشد که این دو یار هم رزم برای استقرار عدالت اجتماعی، اقتصاد تعاونی را اصل قرار داده لیکن در راه‌های رسیدن به آن متشعب می‌شوند.

و اما خود قیمت عادلانه!

غرض از قیمت عادلانه یا قیمت مناسب آن است که به‌هنگام خرید و فروش یک‌کالای مصرفی تولیدکننده به‌حق خود که نتیجه دسترنج او باشد برسد و مصرف‌کننده بیش از قیمت تمام شده که عبارت از دستمزد کارگر و بهای مواد اولیه و سایر هزینه‌های

است که در یک جامعه اقتصادی آزاد و انتفاعی اساس دادوستد می‌باشد. در غیر این صورت به قول ژان ژاک روسو چه کسی می‌تواند از راه درست کاری به مال و ثروت برسد! تروتمندی که در تمام دوران زندگی خود برای تولید کالا نه جسم و نه فکر خود را به کار نینداخته است! همان گونه که چند سطر پیش اشاره کردیم در یک بازار مبادله که پول وسیله آن واقع و واسطه تجارتي میان تولیدکننده اصلی و مصرف کننده (فروشنده و خریدار) می‌باشد نیل به قیمت عادلانه خود بخود غیر ممکن می‌شود. نکته‌ای که شارل ژید آن را مبادله نادرست دانسته و آن را نقص اصلی برمی‌شمارد!

می‌دانیم کسی که جنس را به قصد فروش تولید می‌کند در نظر دارد با پولی که بابت قیمت کالای خود به دست می‌آورد کالاهای دیگری برای خود خریداری کند که دیگران تولید می‌کنند. از آنجا که انسان موضوع اصلی این بحث اقتصادی است طبق معمول بعد فلسفی قضیه مطرح گردیده، و جنبه روان‌شناسی آن سایر قضایا را تحت الشعاع قرار می‌دهد که همانا شمول معنوی و ارضای تمایلات کیفی خریدار یا فروشنده است. دیدگاه‌های فلسفی افلاطون و ارسطو در مورد ارزش کالا همانا جنبه‌های عینی و ذهنی آن است که ارسطو به عینیت و افلاطون به بعد ذهنی آن عنایت داشته‌اند. یعنی چه استفاده‌ای واقعا" می‌توان از کالای مورد دادوستد نمود نه آنکه چه استفاده‌ای (باید) یا می‌تواند بیار آورد! به‌باور ارسطو برای آنکه دو طرف دادوستد به حد مطلوب خود برسند کاری از دست کسی ساخته نیست! براین سیاق حداکثر سود یا رضایت خاطر می‌تواند که فروشنده به دست می‌آورد این است که

تولید بوده باشد نپردازد. اما به دلیل پراکندگی تولیدکننده‌ها و دسترسی نداشتن مستقیم آن‌ها به بازار مصرف، کالاهای تولید شده از کانال واسطه‌های تجارتي به دست مصرف کننده‌ها می‌رسد و این واسطه‌ها می‌کوشند با استفاده از ضعف مالی و تنگ دستی تولیدکننده خورده‌ها جنس را کمتر از قیمت تمام شده از فروشنده‌ها خریدند و در بازار مصرف آن را گاهی به چند برابر قیمت واقعی به فروش رسانند و از همین جا است که بی‌عدالتی و بی‌انصافی شکل گرفته و تار و پود زندگی مادی، معنوی، اخلاقی و فرهنگی مردم یک جامعه از هم پاشیده شده تفاوت و اختلاف شدید طبقاتی پدید می‌آید و مایه اصلی جنگ‌ها و کشمکش‌های اجتماعی قرار می‌گیرد.

در برخورد با این مسئله اساسی افلاطون حکیم با ابراز علاقه شدید به برقراری قیمت عادلانه معتقد بود که این گره کور می‌تواند به وسیله کارشناسان مربوطه گشوده شود، یعنی با رعایت سود تجارتي می‌شود قیمت عادلانه را تعیین کرد. اصلی که بعد از دو هزار و چهارصد سال علمای مکتب کلاسیک نیز بدان توجه کرده و در مورد نظارت دولت بر اجرای این امر یک خط فکری میان افلاطون و آدام اسمیت برقرار می‌شود. با این تفاوت که افلاطون به نوعی تمرکز قدرت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی عنایت داشته اما اسمیت اصل را بر آزادی اقتصادی بنیاد نهاده و نظارت دولت را برای حفظ حریم این آزادی لازم می‌شمرده است.

افلاطون از روی نهایت حسن نیت بر خوردی محتاطانه می‌کند و فرض را بر این می‌گیرد که طرفین دادوستد سر یکدیگر کلاه نمی‌گذارند. و این درست عکس آن چیزی

در قبال فروش جنس خود، جنس دیگران به دست آورد نه بیشتر!

از آنجا که ارسطو و پویندگان راه و رسم او قیمت بازار را قیمت عادلانه می دانستند لذا گروهی مستقیماً " اصل عرضه و تقاضا را بر زبان نیاورده باشد می تواند الهام دهنده کسانی باشد که برای اولین بار طبل آن را به صدا درآورده اند اگرچه غیر منطقی است اما پاسکال واقعیت را عین عدالت می پندارد . در این صورت باید پذیرفت که قوانین تا زمان محقق شدنشان همگی جز فرضیاتی بیش نیستند . لابد این هم توجیهی است که پاسکال و همه طرفداران اصل قیمت بازار از موضوع عرضه و تقاضا نموده و آنرا سازنده قیمت عادلانه می دانند ! جالب این است که ارسطو با همه واقع گرایی هایش سرانجام به رابطه اخلاق و تاثیر آن را در برقراری قیمت عادلانه اعتراف می کند و به فروشندگانه نصیحت می کند که در موقع دادوستد وجدان را مد نظر قرار دهند و سعی نکنند بیش از قیمت بازار از خریدار پول بگیرند ! با این حرف ارسطو و همه طرفداران اصل عرضه و تقاضا بی پایگی و بی مایگی اصل قیمت بازار را برملا می سازند . به این ترتیب چیزی که خود مبنای علمی نداشته و تجربه نیز آن را مردود بشناسد چگونه می توان قیمت عادلانه را تحقق بخشید ؟

فلسفه قیمت عادلانه در قرون وسطی

کانونیست ها نیز از مشی فکری افلاطون جانبداری کرده و می کنند . سن توماس داکن و گرسون در قرن پانزدهم قیمت بازار را مورد انتقاد قرار داده و در مورد اینکه چنین چیزی بتواند " قیمت طبیعی " یا قیمت عادلانه شناخته شود تردید داشته اند

در واقع کانونیست ها قیمت تمام شده به اضافه هزینه فروش را قیمت عادلانه می دانستند چنانکه می دانیم قیمت در بازار امروزه جهان مکانیسم های پیچیده ای را طی می کند که یکی از رسمی ترین شکل های آن تفاوت میان قیمت فروش نقد و نسیه است که ظاهراً " کسی که جنس را به طور نسیه می خرد باید مبلغ بیشتری بپردازد که این تفاوت قیمت از نظر آنها غیر قانونی شناخته شده است . که این امر طبیعتاً " بهره وام را نیز دربر می گیرد . کانونیست ها هزینه تولید را مورد قبول قرار داده و انجام آن را ضروری می دانند زیرا برای تبدیل یک ماده خام به کالای قابل مصرف منطقی است که هزینه ای صرف شود و چنین هزینه ای بخشی از قیمت تمام شده کالا را تشکیل می دهد . هزینه انبارداری و خدمات تولیدی که نفع اجتماعی را در پی داشته باشد ولو آنکه جنس مذکور تولید نشده و از خارج وارد شود مورد قبول آنان بوده است . اما شارل ژید که با اصل عرضه و تقاضا به عنوان تعیین کننده قیمت عادلانه مخالفت ورزیده است ، این نظر کانونیست ها را مردود دانسته و آن سود بازرگانی را مشروع می داند که به سود یک موسسه اجتماعی باشد و یا حاصل آن یک نفع اجتماعی را از بی آورد . این عبارت از دیدگاه پرفسور پیل لامبرگه چیزی جز یک حقه بازی شایهت ندارد . زیرا اگر قرار باشد که بازرگان از سود حاصله سه خاطر یک خدمت اجتماعی چشم ببوشد ، دیگر سودی بجای نمی ماند تا موضوع جدال لفظی واقع شود .

پیل لامبراز این جهت دیدگاه کانونیست های قرون وسطی را مورد انتقاد قرار می دهد که کالا را صرفاً " از جنبه مادی اش مورد توجه قرار داده اند . در حالیکه بازرگان با به تعبیر

امروزی موسسات اقتصادی می‌توانند با انجام فعل و انفعالاتی جنس را از صورت اولیه‌اش به‌در آورند و آنرا به‌شکلی مفیدتر تبدیل کنند ولو آنکه این تغییر چندان چشم‌گیر نباشد. و از همین جا است که تاجر می‌تواند از راه فروش جنس به‌درآمدهای برشراری دست یابد. در این مورد مثال‌های زیادی می‌توان ذکر کرد که اضافه کردن نوعی عطر یا طعم مطبوع به‌چای می‌تواند تفاوت قیمت‌هایی را توجیه کند! کما اینکه عملاً در مصارف روزمره خود برایین وقایع چشم داریم. و همین کار بعدها مورد قبول مراجع در قرون وسطی قرار گرفت و به‌عنوان خدمات سودمند شناخته شد و طبعاً عامل آن را نیز مستحق کسب سود دانسته‌اند که در عرف آنان قیمت یا مزد کار انجام شده شناخته‌اند.

در این رابطه میان سوسیالیست‌های پیرو سیمون و کانونیست‌های پیرو کلیسا بر سر یک نکته توافق دیده می‌شود و آن درآمد نامشروع که به تعبیر ما گنج بی‌رنج نامیده می‌شود. اما یک تفاوت چشم‌گیر وجود دارد که هزینه تولید و پاداش کار با هزینه فروش فرق دارد و در غیر آن صورت باید قیمت‌های ناشی از دست به‌دست شدن کالا را که در بازار کشور ما به‌عنوان یک اصل قانونی می‌بادله شناخته شده است، پذیرفت.

در حالی که شارل ژید، لاورنی و پل‌لامبر و دیگر رهروان اقتصاد تعاونی این کار را زائد و مانع اصلی برقراری قیمت عادلانه می‌دانند. و چنین هم هست اگرچه اهل کلیسا بدان عنایتی می‌دول نکرده باشند.

توصیه شده است که خارج از چارچوب عرضه و تقاضا به‌عنوان رسیدن راهی بسوی قیمت عادلانه دو طرف دادوستد از راه مذاکره براساس حسن تفاهم قیمتی را تعیین و ملاک

خرید و فروش کالای معین قرار دهند که مورد قبول طرفین بوده و از پیش روی آن توافق شده باشد.

تا اینجا به‌گوشه‌هایی از آنچه که قیمت عادلانه گفته شده و راه وصول به‌آن شناخته شده است پرداخته‌ایم و پیرامون مفاهیم و راه وصول به‌قیمت عادلانه، هزینه تولید، به‌اضافه مزد یا پاداش تولید که به بیانی قیمت عادلانه معرفی می‌شود و در صورت تعیین چنین معیاری چگونه بازرگان می‌تواند نفعی را برای خود متصور شود و پاداش کار یا دست‌مزد حقوقی را شامل می‌گردد که کارگر در قبسال دریافت آن بتواند معاش خود و افراد عائله‌اش را تامین کند از چیزهایی است که به‌دنبال می‌آید. ژاک الول استاد اقتصاد دانشگاه بر دو نیز در این باره مطالبی گفته و در همین ردیف قیمت عادلانه را توجیه کرده است. چنانکه گفتیم پرفسور شارل ژید چون یک تعاونی‌گرای سوسیالیست با پدر علم جامعه‌شناسی یعنی کلودسن سیمون سوسیالیست هم داستان می‌شود و با هر هزینه دیگری که به‌هزینه تولید (قیمت تمام شده) افزوده گردد به‌مخالفت برمی‌خیزد: ناگفته نماند که چیزهایی مانند سود، اجاره زمین را برخی جزو هزینه‌تولید می‌شمارند و لذا طرفداران مساوات چنین افلامی را عامل بهره‌کشی دانسته و آن را نامشروع قلم داد می‌کنند. این‌ها تا آنجا پیش می‌روند که بهره و اجاره را که از ابداعات کلاسیک‌ها است به عنوان عناصر متشکله اقتصاد مردود می‌دانند و برخورد آن‌ها با مکانیسم‌های متداول قیمت عادلانه، جامعه تعاونی را نوید می‌دهد که سرمایه‌مانند سایر عوامل تولید در مالکیت جمع باشد. به‌رحال قیمت عادلانه عمده‌ترین مطلبی است که طرفداران اقتصاد خصوصی و

جمعی را به جان هم می اندازد زیرا برداشت های نادرست از آن موجب می شود تا تفاوت های طبقاتی و به دنبال آن مبارزات طبقاتی دست آویز قرار گیرد! بی بردن به قیمت تمام شده مراحل را مطرح می سازد که رسیدن به آن در گرو شناخت این مراحل است. آنچه خرده فروشی ها به عنوان سود بازرگانی به دست می آورند همان تفاوتی است که از قیمت تمام شده و قیمت فروش حاصل می گردد. همین موضوع پیشگامان را چدید را بر آن داشت تا در سال ۱۸۴۴ به یک ابتکار اساسی دست زده و بر کنار از کشمکش های تئوریک علمی و فلسفی به قیمت عادلانه واقعی برسند. و امروز شرکت های تعاونی مصرف و تولید به پیروی از این راه و رسم پرداخته و مصرف کنندگان و تولیدکنندگان عضو خود را برای نیل به قیمت عادلانه مورد حمایت خود قرار می دهند، که به اصل (مازاد معامله) در جهان شهرت یافته است.

صرفنظر از آنچه که پیشروان نهضت تعاونی انجام داده اند علمای اقتصاد در پی توجیهات خود معتقدند که سود به دست آمده از توزیع انتفاعی، اجاره بها، آنچه در مجموع بابت قیمت به سازنده جنس پرداخت می شود، مابه التفاوت بهای یک کالای صنعتی از نقطه نظر تفاوت میان هزینه تولید و قیمت فروش که در برگیرنده دستمزد بهره سرمایه هزینه های اداری، قیمت خرید مواد اولیه و نظایر آن باید در ساختار قیمت عادلانه در نظر گرفته شود.

بهای زمینی که واحد اقتصادی بر روی آن استقرار یافته یا تاسیس می شود از دیدگاه شارل ژید به حساب آورده نمی شود زیرا او زمینی را جزو سرمایه واحد اقتصادی می شمارد که در آن کشت شود یعنی به عنوان عامل

تولید مورد بهره برداری قرار گیرد. از نظر او سود پس انداز مشروع شمرده نمی شود. در حالی که جامعه سرمایه داری از همین پس اندازها، به صورت محرک فعالیت های اقتصادی سود می برد و از سوی دولت ها مورد تشویق قرار می گیرد، روش متخذه جمهوری اسلامی پیرامون بهره پس انداز به نظریات پرفسور ژید بسیار نزدیک است. لازم به یادآوری است که رهبران نهضت تعاونی در آرزوی آن بودند که بهره سرمایه از میان رفته و یا به حداقل ممکن کاهش یابد. اما واقعیت در جامعه های اقتصاد آزاد بگونه دیگری است، زیرا بهره پول اهرم محرک های است که پول را از رکود و تبدیل آن به وسایل زینتی بازمی دارد و به خدمت ساختن سدها، راه ها و کارخانه ها سوق می دهد. اما همان قدر که بالا بودن بهره پول وسیله تشویق صاحبان آن می شود تولید کنندگان بی سرمایه به علت ناتوانی در پرداخت بهره های سنگین رغبت شرکت در کارهای تولیدی را از دست می دهند، لذا بر دولت فرصت است که تحرک بخشیدن به تولیدات صنعتی و کشاورزی منابع سرمایه ای ارزان بهره پدید آورد، مثل بانک توسعه کشاورزی و بانک توسعه صنعتی.

در دنیای امروز آنچه بیش از سایر عوامل در هزینه تولید موثر است دستمزد می باشد که در واقع بخش قابل ملاحظه ای از هزینه های تولید را بخود اختصاص می دهد. پرفسور پیل لامبر آن را هزینه تولید دانسته و در این رابطه تئوری سوسیالیسم را مورد توجه قرار می دهد. پرفسور ژید مانند برخی دیگر از همگان تعاون مشرب خود ابتدا به کلی اصل سود را انکار کرد اما واقعیت های حاکم وی را بر آن داشته تا به نوعی سود

محدود رضایت دهد. نباید از یاد برد که پس انداز انواع متفاوت دارد و ارتباط دادن نوعی از پس انداز با تامین قیمت عادلانه ژید را بر آن داشت تا بهره پس انداز را مورد حمایت قرار دهد.

وقتی عده‌ای از مصرف‌کنندگان برای تامین سرمایه اولیه یک شرکت تعاونی، پس انداز می‌کنند و همان مبلغ پس انداز را در اختیار شرکت تعاونی قرار می‌دهند چه دلیلی دارد که شارل ژید یا هر کس دیگر با آن به مخالفت برخیزد! بسیاری از مردم انگلیس پول خود را بجای آنکه نزد بانکها بسپارند به شرکت‌های تعاونی می‌دهند و ضمن استفاده از بهره آن منابع مالی سازمان‌های تعاونی کشور را نیز تقویت می‌کنند که این در واقع به معنی تضعیف منابع مالی سرمایه‌داری خصوصی است.

خوانندگان محترم این نوشتار باید به این موضوع عنایت داشته باشند که علمای اقتصاد تعاونی و جامعه شناسانی که کوشش خود را وقف گسترش نظام اقتصادی و اجتماعی تعاونی کرده‌اند پیش از سایر صاحب‌نظران و علمای اقتصادی و اجتماعی به امر مهمی چون قیمت عادلانه توجه کرده‌اند زیرا نیل به این مهم یکی از هدف‌های اصلی پیشران این مکتب فکری است. از این روی است که نظریات آن‌ها را در تهیه این گفتار دست مایه خود ساخته‌ایم.

پرفسور هل لامبر رئیس مرکز بین‌المللی تحقیقات و مطالعات اجتماعی و رئیس دانشکده اقتصاد لی شیر اصل سود را به هر شکل مردود دانسته و قیمتی را مشروع می‌داند که محصول هزینه تولید بوده باشد. او استدلال می‌کند با وجود بیمه کردن سرمایه توقع سود برای بازگشت اصل سرمایه محملی

ندارد. لامبر سود خالص را محصول زدوبند واسطه‌ها می‌داند که از حاصل دسترنج کارگران تولید کننده و مصرف کننده‌های بی‌خبر از همه‌جا عایدشان می‌گردد. یعنی دلال‌ها جنس را به کمترین قیمت از تولیدکننده می‌خرند و آن را به چند برابر قیمت خرید به مصرف کننده‌ها می‌فروشند. کارفرمایان نیز با پرداخت دستمزد کمتر از آنچه که باید از نیروی کار کارگران خود بهره‌کشی می‌کنند. یک واحد اقتصادی می‌تواند از راه کاهش هزینه‌های غیر لازم به سودهای کلان دست یابد. او چیزی را سود می‌داند که از راه بهره‌کشی از کار کارگر به دست آید.

بطور کلی شارل ژید قیمتی را عادلانه می‌داند که برای سرمایه هیچ نوع سودی پرداخت نشده باشد. در واقع قیمت عادلانه یعنی قیمت کار انجام شده است، کاری که با اصول فنی و استفاده از تکنیک مترقی امروزی انجام می‌پذیرد در این صورت اگر دستمزد براساس تخصص و کاردانی کارگر پرداخت نشود قیمت عادلانه به دست نمی‌آید لذا پرداخت مزد مساوی به کار ساده و متخصص ظلم به کارگر متخصص محسوب می‌شود و لذا باز هم قیمت عادلانه به دست نخواهد آمد. هل لامبر در کتاب فلسفه اجتماعی شرکت‌های تعاونی تکنیک مذکور را چیزی جز ساختن و تولید نمی‌داند. لامبر در همین کتاب رای شارل ژید را مورد بررسی قرار داده و ابراز عقیده می‌کند که عرضه نوعاً کمتر از تقاضا است. اما پژوهنده به تجربه دریافته است که تکنولوژی تولید مدتهاست که توانسته است این کمبود را برطرف سازد و تنها مسئله‌ای که هنوز در بسیاری از جوامع اقتصادی حل نشده است انحصار توزیع در دست بخش انتفاع فردی است. و همین

مسئله است که مانع از برقراری تعادل قیمت تولید و توزیع شده و بیش از همه به زیان مصرف کنندگان می‌انجامد. بخش توزیع انتفاعی از راه احتکار و عرضه نکردن و ایجاد کمبود دروغین می‌کوشد جنس را به چند برابر قیمت بفروشد و از این راه به درآمد‌های فراوان و نامشروع دست یازد. دولت آمریکا برای تثبیت قیمت گندم و سیب‌زمینی هر سال مقداری زیاد از محصولات کشاورزی آن کشور را به‌دریا می‌ریزد. پس باید برخلاف رای شارل ژید و پل‌لامبر بیافزاییم که موضوع کمی عرضه در ممالک پیشرفته صنعتی سالها است که حل شده است، البته رای آن‌ها در مورد ممالک کم‌رشد می‌تواند صادق باشد. لذا از این گفته می‌توان نتیجه گرفت که عرضه و تقاضا سالها است که از نظر اقتصادی و اجتماعی نقشی ندارد یا بهتر است اینطور عنوان کنیم که از صورت یک اصل بنیادی و علمی اقتصادی خارج گردیده است و جز وسیله‌ای برای سوءاستفاده دست‌آویز دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

چنانکه پل‌لامبر در کتاب فلسفه اجتماعی شرکت‌های تعاونی خود توضیح می‌دهد یک نظام سالم توزیع و تولید که همان تعاونی‌ها باشند می‌توانند تولید و توزیع یعنی عرضه و تقاضا را متعادل سازند زیرا در یک جامعه تعاونی برنامه‌ریزی اقتصادی حاکم است و بی‌شک برای اولین بار در جهان شرکت‌های تعاونی برنامه‌ریزی اقتصادی را اساس فعالیت‌های خود قرار داده بودند.

سوسیالیست بنامی چون ارنست یوآسون و ملادنتس پرداخت مازاد برگشتی توسط شرکت‌های تعاونی را عامل عمده تامین قیمت عادلانه می‌دانند و این امر را وسیله برقراری توازن قیمت‌های متغیر می‌شمارند.

در جامعه‌هایی که نظام‌های سرمایه‌داری خصوصی و دولتی حکومت دارند قیمت عادلانه هرگز تحقق نمی‌یابد زیرا همان‌طور که در سیستم سرمایه‌داری در نتیجه پرداخت نکردن دستمزد حقه به کارگران تولیدکننده و افزودن بی‌رویه به بهای کالاها، مصرفی حقوق مسلم کارگران و مصرف‌کنندگان ضایع می‌شود در اقتصاد دولتی (اناتیسم) نیز از آنجا که دولت اهرم قیمت‌ها را چه هنگام خرید کالا از کشاورزان و چه به هنگام فروش همان کالا و کالاها، صنعتی به مصرف‌کنندگان شهری و روستائی دردست داشته و از راه خرید ارزان و فروش به قیمت‌های گران هزینه‌های جاه‌طلبانه خود را تامین می‌کند نه از عدالت و نه از قیمت عادلانه می‌توان اثر و خبری یافت! اگر از یاد نبرده باشیم در مقدمه این گفتار از پرفسور برنارد لاورن به‌عنوان یکی از کسانی که پیرامون نحوه تامین قیمت عادلانه باهمتای خود شارل ژیرر جدال کرده و خود یکی از استادان و نظریه‌پردازان اقتصاد تعاونی است بیاد نمودیم که قاعدتاً "باید اصل همکاری را بر رقابت اقتصادی برتر شمارد اما نامبرده برغم این حقیقت حاکم بر یک جامعه تعاونی رقابت را که رکن اصلی اقتصاد سرمایه‌داری است اساس تعیین قیمت عادلانه می‌شمارد. لاورن در این راه تا آنجا پیش می‌رود که قیمت بازار را بهترین قیمت عادلانه بداند و ابراز چنان اندیشه‌ای از سوی پروفیسور لاورن مطلب تازه‌ای نیست.

نهضت تعاونی یا اقتصاد تعاونی که عین سوسیالیسم و سوسیالیسم حقیقی بوده باشد نیز در بطن خود افرادی را پرورش داده که در عرف سیاسی می‌شود آنها را به جناح‌های فکری دست راستی و دست چپی منقسم نمود. در میان تعاون مشرب‌های محافظه‌کار می‌توان

شولتسز دلپش از آلمان - ژرژ سورل را از فرانسه و یا همین پروفیسور لاورن را مثال آورد و در مقابل شارل فوریه و ژوزف پرودن - رابرت اون را از فرانسه و انگلیس نمونه آورد که در مقابل دست راستی های سرمایه گرا، جامعه گرا تر به شمار می روند .

و سرانجام لاورن نیز مانند همتای آلمانی خود شولتسز دلپش مجذوب انقباس قدسی سرمایه و سرمایه داری واقع و ناگزیر از این اعتراف می شود که عدالت مطلق را امری دست نیافتنی دانسته و لذا دریافتن به قیمت عادلانه واقعی دچار سردرگمی گردد و برای توجیه عقاید خود تنوع نوع مشاغل و پرداخت دستمزدهای متفاوت به افراد ساده و صاحب فن را عنوان می سازد . صرف نظر از اشکال دیگر اقتصاد اجتماعی چون شهرداری ها و شبه تعاونیها . بخش های گسترده و جهان شمول اقتصادی امروز جهان قلمروهایی چون کاپیتالیسم ، اتاتیسم و کنوپراتیسم را دربر می گیرد . رقابت در جامعه سرمایه داری

خصوصی همیشه ناقص صورت گرفته و از همین روی فرصت همواره در اختیار صاحبان سرمایه های بزرگ قرار دارد . در اقتصاد دولتی نه رقابتی وجود دارد و نه همکاری که باید آن را نوعی توقف دانست و در اقتصاد تعاونی اصل بر همکاری است و از آنجا که فرصت ها در اختیار همه افراد و گروه های مولد می باشد رقابت کامل می تواند تحقق پذیرد هر چند که عنصر همکاری مهمترین عامل رسیدن به کمال مطلوب است لذا به آسانی می توان دریافت که دست یابی به قیمت عادلانه فقط در چهارچوب اقتصاد تعاونی امکان پذیر می باشد و لا غیر . با توجه به محدود بودن حوزه کلام در این مقال و گستردگی موضوع قیمت عادلانه در ابعاد اقتصادی ، اجتماعی - فلسفی - اخلاقی و سیاسی آن به این عبارت پرفیسور پل لامبر بسنده می کنیم که " قیمت ها از آن جهت غیر عادلانه اند که پاره ای از مردم می کوشند از راه های ستمگرانه و نامشروع درآمد کسب کنند . "

بقیه از صفحه ۳۹

ضعف کنترل در روشهای اجرایی ، عدم رعایت روش به علت جامع نبودن آن ، طولانی شدن مراحل انجام فعالیت و بوروکراسی غیر ضرور ، معمولاً مشکلاتی هستند که در گزارشهای حسابرسی ، کنترل و نظارت به آنها اشاره می شود . این مشکلات در حقیقت به عنوان زنگ خطری لزوم بازنگری روشها را اعلام می کنند . بازنگری دوره ای روشها توسط واحد مسئول نیز نقش عمده ای در به روز نگه داری روشها دارد .

مدیریت به منظور اطلاع از تغییرات و همچنین انعکاس بموقع تغییرات شرایط محیطی به داخل سازمان توسط مدیران ارشد ، مهمترین عواملی هستند که نیاز به بازنگری روشها را مشخص می کنند . مدیران اجرایی با اطلاع از تصمیمات مدیران رده بالای سازمان موظفند تغییرات لازم در رابطه با روشهای مربوط به واحد خود را پیشنهاد نمایند .

حسابرسی ، کنترل و نظارت نیز عامل مهمی در اعلام لزوم بازنگری روشها می باشند